

نقد دیوان حافظ فریدون میرزا

چاپ دانشگاه تهران

ناقد: دکتر محمدجواد شریعت

پاسخ به نقد: دکتر احمد مجاهد

مشکوک... یک بار مرحوم فرزند کرده است و تجدید مطلع آن از طرف شما ناروا بود...».

معروض می‌گردد که من اشعار الحاقی و منسوب و مشکوک و غیره را در **دیوان حافظ** فریدون میرزا نیاورده‌ام، بلکه در اصل نسخه‌ی خطی موجود بود و من با امانت کامل همه‌ی آن‌ها را چاپ کردم. مرقوم فرموده‌اند: «در حالی که اصل نسخه‌ی فریدون میرزا را هم به‌دست نیاورده‌اید».

جواب: مگر دیگران که نسخه‌های خطی متعدد **دیوان حافظ** را چاپ کرده‌اند، توانسته‌اند اصل نسخه‌ی اولیه‌ی **دیوان حافظ** را به‌دست بیاورند. سه نسخه از **دیوان حافظ** نسخه‌ی فریدون میرزا در ایران موجود بود که این سه نسخه را به‌دست آوردم و چاپ کردم. حال اگر نسخه‌ی اصل موجود نیست و پیدا نمی‌شود و در اثر حوادث زمانه ممکن است از بین رفته باشد، کوتاهی و تقصیری از جانب من نیست. و اطلاعاً جهت آگاهی شما و تمامی حافظ‌پژوهان و خوانندگان مجله‌ی گرامی **حافظ** به استحضار می‌رساند که این جانب بعد از چاپ اول کتاب از روی سه نسخه‌ی موجود در ایران، هفت نسخه‌ی دیگر نیز در کتاب‌خانه‌های جهان سراغ کردم که «سی‌دی» این هفت نسخه را نیز به‌دست آوردم که ویرایش دوم **دیوان حافظ** با مقابله‌ی ده نسخه‌ی حافظ فریدون میرزا چاپ می‌شود و حجم تعلیقات این جانب هم با همان سبک و سیاق سابق چند برابر شده است، نتیجتاً کتاب در دو مجلد رحلی و قطور که یک مجلد فقط **دیوان حافظ** است و یک مجلد هم تعلیقات است، در دست چاپ می‌باشد.

و باز به اطلاع شما برسانم که چون شنیدم که نسخه‌ی اصلی **دیوان** در موزه‌ی کابل می‌باشد، یک هفته پس از آمدن آقای حامد کرزای و به‌مسند نشستن او، در حالی که خطوط هواپیمایی برقرار نشده بود، از طریق زمینی که مخاطرات بسیار در برداشت و هنوز طالبان در خیلی جاها نفوذ داشت، و این مسائل برای من مجهول بود و تصادفاً جان به سلامت بردم، با هزینه‌ی شخصی و حقوق ناچیز بازنشستگی که با اشل حقوق قبل از دهه‌ی ۶۰ بازنشسته شدم، عازم افغانستان شدم، در حالی که زمامداران وقت از مسافرت‌های غیرضروری و بی‌فایده‌ی هم‌قطاران‌شان دادشان بلند بود. حتی یک‌بار قرار شد که مرا با هواپیمای باری که کالا جهت دولت جدید می‌برد، بفرستند که نشد. آری! مدعیان پاسداران فرهنگ و مجاهدان واقعی فرهنگ هر یک به کار خود. مرقوم فرموده‌اند: «دیگران هم نسخه‌های فرعی شما را دیده بودند و به آن‌ها اعتنا نکرده‌اند».

معروض می‌گردد: «آن دیگران که خود من هم در مقدمه‌ی دیوان نام برده‌ام، مرحومان خلخالی و گلچین معانی و همایونفرخ می‌باشند. هر کدام از این شادروانان فقط یک نسخه از این سه نسخه را دیده بودند، و این تک‌نسخه‌ها هم نواقص و اشکالات زیاد داشت، بنابراین به تنهایی

□ آقای دکتر محمدجواد شریعت (استاد محترم دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد) در طی مقاله‌ی مبارکه‌ی خودشان در شماره‌ی ۱۹ مجله‌ی وزین **حافظ** چندین بار ذرّه‌پروری فرموده‌اند و به کرات این جانب را مورد لطف و محبت خود قرار داده‌اند که موجب شرمندگی بنده است، اما با همه‌ی عنایتی که به این خاکسار فرموده‌اند، باعث نمی‌شود انتقاداتی را که به **دیوان حافظ** فریدون میرزا فراهم آمده‌ی من کرده‌اند، بلاجواب بگذارم که نه جواب بلکه گزارشی از کیفیت سیر این **دیوان** در گذشته و آینده است.

مرقوم فرموده‌اند: «دانشگاه تهران پیش از انقلاب کتاب‌هایی مانند تفسیر **کشف الاسرار** میبیدی و **کلیله و دمنه**ی مرحوم مجتبی مینوی و کتاب‌های فضلالی مانند: مرحومان شهابی‌ها و فروزانفرها و امثال آن‌ها را منتشر می‌ساخت که هر یک را مانند ورق زر می‌بردند...». این را همه قبول دارند که دانشگاه تهران و انتشارات آن نسبت به گذشته افت کرده است، اما اگر زمانه طوری شده است که دیگر در آن مینوی‌ها، شهابی‌ها، همایی‌ها پیدا نمی‌شوند که کتاب به دانشگاه تهران بیاورند که چاپ شود، تقصیر انتشارات دانشگاه تهران نیست. مرقوم فرموده‌اند: «نمی‌خواهم بگویم که **دیوان حافظ** چاپ انتشارات دانشگاه تهران از این قبیل است، بلکه به‌طور کلی موضوع را طرح کردم...».

حتماً حضرت استاد می‌دانند که روال تصویب کتاب برای چاپ در انتشارات دانشگاه تهران بر این است که کتاب را برای سه کارشناس و بررسی می‌فرستند و اگر تالیفی دو رأی مثبت برای چاپ به‌دست آورد، آن وقت آن کتاب تصویب می‌شود، و **دیوان حافظ** را هم دو تن از استادان ممتاز دانشگاه تهران برای چاپ تصویب کردند. ایشان برای نمونه یک غزل را به مطلع:

هنگام نوبهار گل از بوستان جدا

یارب مباد هیچ‌کس از دوستان جدا
شاهد مثال آورده‌اند که: «این همه شعر الحاقی، نه در شأن ایشان می‌دانم و نه در شأن حافظ و نه در شأن انتشارات دانشگاه تهران».

حضرت استاد که خود از محققان و مصححان متون قدیم هستند، بهتر از هر کس دیگر می‌دانند که وقتی محقق متن را در دست گرفت حق ندارد، هیچ دخل و تصرفی در آن بنماید و اگر نظری دارد باید در حاشیه و یا تعلیقات بنویسد. کار من در تصحیح **دیوان حافظ** گردآوری فریدون میرزا چنین بود که آن **دیوان** را به همان صورت که هست بدون کم و کاست ارائه دهم که دادم، حال اگر شعری به نظر کسی الحاقی یا سست رسیده، دیگر گناهی و تقصیری از من مصحح نیست.

وانگهی این غزل قبلاً هم در چاپ‌های: جنتی عطایی، فرزند و یکتایی آمده بود و اگر قرار بود نقدی بشود باید جلوتر از این‌ها می‌شد. مرقوم فرموده‌اند: «این کار را (آوردن اشعار الحاقی و منسوب و

همان طور که نوشته‌اید قابل اعتنا نبوده‌اند.

مرحوم خلخالی فقط نسخه‌ی ملک را دیده بود، و مرحوم گلچین معانی هم شبی مهمان همایون‌فرخ بوده و به‌طور گذرا نظری به نسخه‌ی مورخ ۱۲۰۴ ه.ق. انداخته که این نسخه به سبب هم‌زمان بودن تاریخش با تاریخ نخستین چاپ‌های **دیوان حافظ** در هند و دیگر جاها محل تامل است و بیش‌ترین غزل‌های منسوب و مشکوک در این نسخه آمده است که در مقدمه‌ی چاپ این‌جانب مذکور است.

وقت می‌شود که احمقانه‌ترین کلمات از دهان دانشمندی شنیده می‌شود. در شبی که در منزل مرحوم همایون‌فرخ مهمان او بودم، سوال کردم که چرا نسخه‌ی حافظ فریدون میرزا را که در اختیار داشته، چاپ نکرده است؟ جواب داد: آخر فریدون میرزا پادشاه بزرگی نبود. خوب. شاه‌عباس پادشاه بزرگی بود، آیا در مورد حافظ کاری کرده است؟ فریدون میرزا پادشاه بزرگی نبود، اما کار بزرگی در باب حافظ که انجام داده است. همتی کرده و عده‌یی از افاضل را گردآورده و حدود پانصد نسخه‌ی خطی دیوان و جُنگ و سفاین را فراهم نموده و یک‌بار دیگر **دیوان حافظ** را تدوین کرده است، حال اگر دست روزگار نسخه‌ی اصلی و اولیه‌ی او را از بین برده و یا فعلاً از دید محققان مستور داشته، سبب نفی کار او نمی‌شود، بویژه وقتی مرحوم همایون‌فرخ مطلع شد که من این نسخه را در انتشارات دانشگاه تهران در دست چاپ دارم، از شدت غبن رنگش برافروخته شد و با التماس و خواهش بسیار از من خواست که موافقت کنم مقدمه‌یی بر چاپ من بنویسد که البته این حد او نبود که بر کتاب من مقدمه بنویسد و بعداً هم در چاپ **دیوان حافظ** ساحر خودش یک نسخه از سه نسخه‌ی فریدون میرزا را داخل کرد.

سخن پایانی این که حضرت استاد دکتر شریعت در تمام مقاله‌شان یک بار از فریدون میرزا که بانی و موجد این نسخه‌ی **دیوان حافظ** است و برای تدوین آن همت کرده است، نامی نبرده‌اند و تمام دیوان را به حساب من گذاشته‌اند، در صورتی که من سه نسخه‌ی موجود در ایران فریدون میرزا را کنار هم گذاشته و کاستی‌های هر نسخه را از نسخه‌ی دیگر تکمیل کردم و چاپ نمودم و هیچ دخالتی در متن کتاب نداشتم. و البته در قدم اول هر کاری ایراداتی هست و چاپ نخست حافظ من هم از این اصل طبیعی برکنار نیست، اما وقتی ما توجه کنیم که تمام حافظ‌پژوهان از قبیل خانلری، نیساری، پژمان، انجوی، خرّمشاهی، رشید عیوضی و... هر یک چندین بار حافظ چاپ کردند تا به حافظ آخرشان رسیدند، من هنوز یک‌بار بیش‌تر حافظ چاپ نکرده‌ام، البته در ویرایش دوم که با ده نسخه‌ی فریدون میرزا مقابله شده است من به آخر چاپ حافظم می‌رسم و در این چاپ با توجه به نسخه‌های نزدیک به زمان تالیف، حساب بسیاری از غزل‌ها روشن می‌شود و به اصل نسخه‌ی فریدون میرزا نزدیک می‌شویم.

به گفته‌ی یکی از دوستان اگر ما نسخه‌ی فریدون میرزا را با ۶۴۶ غزل مقطوع و منسوب و مشکوک دایرة‌المعارف شعر حافظ بنامیم، سخن بی‌جایی نخواهد بود.

اما شاه‌بیت غزل (سخن) من با استاد دکتر شریعت در این مقاله این است که از زمان تالیف حافظ من تا زمان نوشتن نقد ایشان، شش سال می‌گذرد، در صورتی که معمول چنین است که در همان سال اول بلکه در همان ماه‌های اولی کتاب را نقد می‌کنند، نه پس از شش سال. من رایحه‌ی غرضی از مقاله‌ی ایشان استشمام نمی‌کنم که ساحت ایشان را مبرا می‌دانم، اما احتمال این که ایشان با طناب پوسیده‌ی دیگران به

چاه رفته باشند را بعید نمی‌دانم.

در خاتمه از حسن ظن ایشان نسبت به من که چند بار در نقدشان اظهار داشته‌اند، نه یک بار که صدبار تشکر می‌کنم و سپاس دارم و برای ایشان سلامتی و توفیقات علمی را آرزو مندم. ■

پوزش از عدم مرغوبیت کاغذ مجله

به قلم: آرش اسدزاده
کارشناس حقوق قضایی
و مدیر تولید نشریه‌ی داخلی دوستداران حافظ

تعدادی از خوانندگان و مشترکان مجله، همیشه ما را تشویق و ترغیب می‌کنند و می‌گویند که چون مقالات و عکس‌های نشریه‌ی حافظ، قابل اعتنا و توجه است و باید در صحیفه‌ی ایام ماندگار و جاودان بماند، لازم است که از کاغذ سفید اعلا برای نشر مجله استفاده کنیم. پاسخ ما همیشه این بوده است که ما راضی نمی‌شویم که در نتیجه‌ی استفاده از کاغذ بهتر و ناگزیر بالا بردن قیمت مجله، حتا یک نفر دانشجو را از خرید مجله محروم کنیم؛ لذا ترجیح می‌دهیم که کاغذ مجله مرغوب نباشد تا آن‌که هیچ یک از خوانندگان و مشترکان ما، به دلیل گرانی نشریه از خرید آن سر باز نزنند.

به‌هر حال ما برای نمونه یکی از اولین نامه‌هایی که آقای دکتر احمد شعبانی از دانشگاه اصفهان در ۱۳۸۳/۱۰/۲۵ برای مرغوب‌تر کردن کاغذ ماهنامه به ما نوشته شده است، در این جا گراور می‌کنیم تا مشترکان جدید ماهنامه بدانند که ما از این نقص مجله آگاهی کامل داریم، ولی مصلحت جمعی خوانندگان را در صرفه‌جویی می‌دانیم. در ضمن، می‌باید یادآور شویم که با همین وضع هم مجله همه ماهه ضرر می‌دهد.

موسسه‌ی نشر
اصفهان، هزارچرب و دانشگاه اصفهان
دانشکده‌ی معارف، تربیتی و روانشناسی، گروه کتابداری
و اطلاع‌رسانی، کد پستی ۸۱۷۴۴
دکتر احمد شعبانی
حضرت استاد دانا دارنده‌ی حیات، که ما را فرستادید این
ماهنامه‌ها را تقدیراً حافظ که بی‌اندر هیچ غنچه و کزادش در آن غیر از انبیا است
غرض صولت و دست‌یابی است از نغمه، که کنار ما می‌نویسد و از آن همه ابتکار
و زودقی‌ترسند شمش. بر واقع بسیار ما از عکس‌ها ماهنامه‌ی بی‌چونان شکر وانه
بی‌آورد، بهتر، برای ما فرستاد که کو چیتنا که کم برای ما در آنجا نوشتن تو بهتر
دختر کیفیت کاغذ را بالا برد. بهرحمت استاد دانا در آنجا باغ و دلب نامی
تهدیه‌ی مقاله از نکات چشمگیر حافظ، بود دایره‌ی حافظ، با سواد گرامر و نگار
من ابراهیم، به‌شکر
با احترام دکتر احمد شعبانی
۱۳۸۳/۱۰/۲۵